

گزارش روز

محمد عنبرسوز در روزهای پرتلهایی که تعطیلات نوروزی با جنگ مقارن شد، رسانه ملی تلاش کرد تا فراتر از وظیفه اطلاع رسانی، با تولید برنامه‌های متنوع، نقشی محوری را در حفظ آرامش روانی مخاطبان ایفا کند. در این شرایط، تولید برنامه‌های مناسبی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. محصولاتی که نه تنها سرگرمی فراهم می‌کنند، بلکه با انتخاب محتوا و میهمانان شاخص، تصویر روشنی از انسجام اجتماعی و هم‌بستگی ملی ارائه می‌دهند. یکی از ویژگی‌های بارز این روزها، تنوع و گستردگی تولیدات غیرخبری تلویزیون است؛ از گفت‌وگوهای ملی و برنامه‌های میدانی گرفته تا سریال‌های حادثه‌ای و حتی مستندهای کوتاه که هر یک تلاش می‌کنند بخشی از واقعیت‌های کشور و تجربه‌های مردم در شرایط حساس را به تصویر بکشند. مخاطبان تلویزیون، در این ایام شاهد حضور مجریان و چهره‌های حرفه‌ای و با سابقه بوده‌اند که با تسلط و خلاقیت، توانسته‌اند جریان برنامه‌ها را زنده، جذاب و منسجم نگه دارند. در دو سه هفته گذشته، تلویزیون ایران با تولید برنامه‌های غیرخبری متنوع و خلاقانه، نشان داد که می‌تواند هم‌زمان فرهنگ‌سازی، آموزش و سرگرمی را در بستر یک تجربه دیداری زنده و جذاب ارائه دهد و مخاطبان را در شرایط بحرانی، به مسیر همدلی و انسجام ملی دعوت کند. در این مطلب، مروری داریم به برخی از شاخص‌ترین تولیدات غیرخبری رسانه ملی در ایام جنگ رمضان.

نوروز جنگی

مروری بر مهم‌ترین برنامه‌های نوروزی تلویزیون در ایامی که جانانه مشغول دفاع از کشورمان هستیم



نمایی از سریال «بیگانگان» به کارگردانی رامنا فویدل

کشوردوست

«کشوردوست» را باید یکی از تجربه‌های درخورد توجه تلویزیون در روزهایی دانست که رسانه بیش از همیشه نیازمند آرامش، انسجام و روایت‌های امیدبخش با رویکرد ملی است. این برنامه گفت‌وگو محور که از شبکه ۲ سیما روی آنتن رفت، در شرایطی تولید شد که فضای عمومی جامعه تحت تأثیر تحولات و التهابات ناشی از جنگ قرار داشت، موقعیتی که هر برنامه زنده‌ای را در معرض حاشیه لغزش و واکنش‌های پیش‌بینی‌ناپذیر قرار

می‌دهد. با این حال، «کشوردوست» نشان داد که می‌توان حتی در چنین فضایی، حرفه‌ای، متین و بی‌حاشیه پیش رفت. یکی از مهم‌ترین نقاط قوت برنامه، دقت و وسواس در انتخاب میهمانان بود. ترکیب چهره‌ها به گونه‌ای طراحی شده بود که هم تنوع داشته باشد و هم از یک خط‌مشی مشخص، یعنی نگاه ملی و وحدت‌گرایانه، پیروی کند. همین رویکرد باعث شد گفت‌وگوها تنها از حاشیه دور بمانند، بلکه برای مخاطب نیز قابل اعتماد و دل‌نشین جلوه کنند. «کشوردوست»

به جای آنکه صرفاً تریبون برای طرح دیدگاه‌های پراکنده باشد، به بستری برای همدلی و بازنمایی وجوه مشترک جامعه تبدیل شد. در این میان، نقش المیرا شریفی مقدم به عنوان مجری، نقشی تعیین‌کننده بود. او که سال‌ها تجربه اجرا در موقعیت‌های حساس را در کارنامه دارد، با تسلط و آرامش، ریتم گفت‌وگوها را به خوبی مدیریت کرد و در حالی که بدون شتاب‌زدگی و بیان عبارات‌های هیجان‌زده، اجازه نمی‌داد ریتم برنامه دچار افت شود. همین تعادل،

به «کشوردوست» هویتی حرفه‌ای و قابل قبول بخشید. ویژه‌برنامه‌های نوروزی «کشوردوست» در شب‌های منتهی به تحویل سال نقطه اوج این تجربه بود. در این قسمت‌ها، با دعوت از هنرمندان و چهره‌های برجسته، برنامه حال‌وهوایی صمیمی‌تر و در عین حال ملی‌تر به خود گرفت. حضور این مهمانان در کنار روایت‌های امیدبخش، توانست مخاطبان بیشتری را با برنامه همراه کند و آن را به یکی از گزینه‌های درخورد توجه در سید



تماشای نوروزی تبدیل کند. همراهی

مجید یحییایی در این ویژه‌برنامه‌ها نیز به یویایی اجرا کمک کرد. این همراهی بدون آنکه به شاکه اصلی برنامه لطمه بزند، به تنوع و جذابیت آن افزود و تعامل میان مجریان، فضای گفت‌وگو را گرم‌تر و زنده‌تر کرد.

سپیدار

المیرا شریفی مقدم که یکی از فعال‌ترین و اثرگذارترین چهره‌های رسانه ملی در یک ماه اخیر بوده، علاوه بر «کشوردوست»، با مستند «سپیدار» نیز در شبکه دوم سیما حضور داشت. این مجری با سابقه، در مجموعه مستند «سپیدار» که لحنی گزارشی‌گونه دارد، در سطح

شهر تهران حضور می‌یافت و تلاش می‌کرد تا زوایای کمتر دیده شده‌ای از تجاوز دشمن آمریکایی صهیونیستی به خاک کشورمان را با تمرکز بر ابعاد و جنبه‌های ضدانسانی جنگ و نیز بازنمایی مجاهدت‌های اقشار و گروه‌های مختلفی که در شرایط جنگی پای کار کشور ایستاده‌اند،

در قالبی مستندگونه به مخاطبان منتقل کند و بریده‌های قسمت‌هایی از «سپیدار» که در بیمارستان مهدیه به خاک کشورمان را با تمرکز بر ابعاد و جنبه‌های ضدانسانی جنگ و نیز بازنمایی مجاهدت‌های اقشار و گروه‌های مختلفی که در شرایط جنگی پای کار کشور ایستاده‌اند،

اتوبوس‌های شهری و مترو، بازاربان، کارکنان مرکز «۴۰۲»، نیروهای امدادی و خدمات‌رسان و... نیز لحظات جذابی از گرایش به زندگی و تلاش مردم برای کمک به یکدیگر و روشن نگه داشتن چراغ‌های کشور را در «سپیدار» به مردم سراسر ایران معیاره کردند. تدوین خوش‌ریتم و زمان کوتاه (کمتر از



بیست دقیقه) این مستند که تعدادی از برحرفی پرهیز می‌کند نیز از نقاط قوت برجسته آن است.

بیگانگان

«بیگانگان» یکی از انتخاب‌های مناسب تلویزیون برای پخش در روزهای است که فضای عمومی جامعه تحت تأثیر اخبار جنگ و تحولات منطقه‌ای قرار دارد. این مجموعه به کارگردانی رامنا فویدل، در قالب یک درام حادثه‌ای، با رگه‌های پیرزن سیاسی و امنیتی، تلاش می‌کند قصه‌ای بی‌طرف و خبیر را در دل یکی از پرچالش‌ترین بسترهای معاصر روایت کند که بخشی از ماهیت توربینی‌ترین گروهک معاصر جهان، یعنی داعش و

مواجهه نیروهای مقاومت با این فرقه را به درام تبدیل می‌کند. «بیگانگان» در سطح روایت، داستانی درباره انتخاب است؛ انتخاب میان ماندن و رفتن، میان فردیت و مسئولیت، و میان آسایش شخصی و تعهد اجتماعی. شخصیت اصلی سریال، در مسیری قرار می‌گیرد که او را از یک زندگی عادی به موقعیتی بحرانی و سرنوشت‌ساز می‌کشاند. همین دوگانگی هاست که به قصه عمق می‌دهد و آن را از یک روایت صرفاً شعاری دور می‌کند. در روزهایی که اخبار منطقه و درگیری‌ها بار دیگر ذهن

مخاطب ایرانی را درگیر کرده، انتخاب سریالی با محوریت مواجهه با تروریسم و جریان‌هایی مانند داعش، انتخابی مناسب به نظر می‌رسد. این هم‌زمانی باعث شد «بیگانگان» نه فقط یک اثر نمایشی، بلکه نوعی بازتاب دراماتیک از واقعیت‌های پیرامونی تلقی شود؛ روایتی که برای مخاطب، آشنا و قابل لمس است. از سوی دیگر پرداختن به محور مقاومت در بستر یک داستان شخصی، به سریال این امکان را داده که از کلی‌گویی فاصله بگیرد و مخاطب، به جای آنکه صرفاً با مفاهیم کلان و

انتزاعی مواجه باشد، این مفاهیم را در بستر زندگی شخصیت‌های واقعی جاری می‌یابد. در بعد روایی نیز، رامنا فویدل تلاش کرده با حفظ ریتمی متعادل، داستان را پیش ببرد، نه آن قدر کند که مخاطب را خسته کند و نه آن قدر شتاب‌زده که فرصت پرداخت شخصیت‌ها از دست برود. تجربه او در ساخت آثار تلویزیونی، در اینجا نیز به کمک آمده و باعث شده «بیگانگان» از نظر روایت، ساختاری منسجم و قابل پیگیری داشته باشد، هرچند سریال از بوجه محدودی برخوردار بوده



و طبعاً بخش زیادی از صحنه‌های اکشن را با مختصات بسیار کوچکی تولید کرده است. در این مجموعه تلویزیونی، محمد نادری که غالباً با ایفای نقش‌های کم‌دی به یاد آورده می‌شود، اجرایی قابل قبول و جدی را مقابل دوربین برده است.

میدان‌دار

«میدان‌دار» از جمله تولیدات مناسبی است که ۳ سیماست که در روزهای پرتلهای اخیر، تلاش کرده تصویری زنده و میدانی از حال‌وهوای جامعه ایران ارائه دهد. این برنامه با ساختاری ترکیبی و حال‌وهوایی که به یک مجله تصویری متنوع، بر پایه حضور مردم در خیابان‌ها و تجمعات شبانه شکل گرفته، سعی دارد روایتگر نوعی هم‌بستگی جمعی در بزنگاه‌های حساس باشد. در روزهایی که کشور با شرایط خاص

و فضای جنگی روبه‌روست، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اجتماعی، حضور پرشور مردم در خیابان‌ها و اعلام حمایت از کشورشان بود. «میدان‌دار» این حضور را به عنوان نقطه مرکزی روایت خود انتخاب کرده و با اتصال نقاط مختلف پایتخت و شهرهای دیگر، تصویری گسترده از این همراهی عمومی به نمایش گذاشته است، حضوری که بیش از هر چیز، نشان‌دهنده نوعی همدلی و هم‌سرنوشتی در میان اقشار مختلف جامعه به شمار می‌رود.

اجرای ژیلنا صادقی در هدایت این برنامه و شکل‌گیری لحن و فضای منحصر به فرد حاکم بر میدان‌دار، نقش مهمی را ایفا می‌کند. این مجری با سابقه تلاش کرده با اجرایی کنترل شده، میان آیت‌های متعدد و ارتباط‌های زنده با نقاط مختلف کشور، انسجام ایجاد کند. اگرچه در یکی دو مورد، زیاده‌روی‌هایی از سوی او در بیان عبارات رخ داد و در فضای مجازی هم بازتاب پیدا کرد، اما در مجموع، عملکرد صادقی را می‌توان

قابل قبول و متناسب با اهداف این برنامه زنده ارزیابی کرد. «میدان‌دار» با تکیه بر گزارش‌های میدانی و ارتباط با نقاط مختلف پایتخت و شهرهای پرتعداد سراسر کشور، سعی کرده تنوع نگاه‌هایی را که در این ایام حول مفهوم وطن‌دوستی شکل گرفته، به تصویر بکشد. از نسل‌های مختلف تا گروه‌های اجتماعی گوناگون، همگی در قاب این برنامه به عنوان اجزای یک کل منسجم دیده می‌شوند که بر پایه احساس تعلق و مسئولیت نسبت به



کشور تعریف شده‌اند. «میدان‌دار» در مسیر بازنمایی مواضع مردم و نمایش جلوه‌های وطن‌دوستی، به یکی از برنامه‌های درخورد توجه این روزهای تلویزیون تبدیل شده و با وجود دشواری‌های تولید زنده، توانسته در فضای عمومی کشور اثرگذار باشد.

روشنایی شب

«روشنایی شب» از جمله تولیدات درخورد توجه این روزهای تلویزیون است که از شبکه یک سیما روی آنتن رفته و در قالب یک درام امنیتی-اطلاعاتی، تلاش می‌کند مخاطب را به دل یکی از پیچیده‌ترین لایه‌های نبرد‌های معاصر ببرد. این مجموعه، به کارگردانی محمود معظمی، با تکیه بر تعلیق و روایت‌های پلیسی-پرافت‌وخیز، سعی دارد تصویری متفاوت از جنگی ارائه دهد که نه در

میدان‌های کلاسیک، بلکه در سایه و سکوت جریان دارد. «روشنایی شب»، با الهام از پرونده‌های واقعی، از یک عملیات ضد تروریستی آغاز می‌شود و رفته‌رفته تصویر خراب‌کاری بزرگ‌تر و کارتیروهای امنیتی سخت‌تر می‌شود. قصه این مجموعه تلویزیونی، مخاطب را در مسیر کشف لایه‌های پنهان این تهدیدها پیش می‌برد و نشان می‌دهد که امنیت، حاصل تلاش نیروهای است که اغلب در گمنامی عمل می‌کنند. پخش این سریال در روزهایی

طیف وسیعی از مخاطبان را درگیر کرده و نشان داده که تلویزیون می‌تواند در شرایط حساس کشور، به بستری برای گفت‌وگو ملی و وحدت‌گرایانه تبدیل شود. تنوع میهمانان و حفظ یکدستی در همه گفت‌وگوها، نقطه قوت «من ایرانم» است؛ از چهره‌های سیاسی تراز اول کشور مثل سید عباس صالحی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) و عزت‌الله... صرغامی (رئیس اسبق سازمان صداوسیما) و وزیر پیشین

که فضای عمومی جامعه تحت تأثیر تحولات و تهدیدهای بیرونی قرار دارد، انتخابی هوشمندانه است و «روشنایی شب» به نوعی بازتاب دراماتیک همان ایستادگی و اقتداری است که مردم ایران در برابر هرگونه وطن‌فروشی به نمایش گذاشته‌اند. در بخش بازیگری، حضور چهره‌های شناخته شده‌ای چون رویا نونهالی و مهدی فخیم‌زاده به سریال وزنی ویژه داده است. ترکیب این دو بازیگر، تا حدی یادآور فضای سریال ماندگار «خواب و بیدار» است،



به ویژه آنکه نونهالی هم در نقش یک جاسوس زبده و مرموز ظاهر شده و بار دیگر توانایی‌اش در ایفای نقش آنتاگونیست پیچیده را به نمایش گذاشته است. یکی دیگر از نکات درخورد توجه «روشنایی شب»، تصویرسازی از مأموران اطلاعاتی و امنیتی زن است؛ انتخابی جسورانه که هم به تنوع شخصیت‌ها کمک کرده و هم کنج‌کاری مخاطب را برمی‌انگیزد. این تصمیم، سریال را از کلیشه‌های رایج فاصله داده و امکان پرداختن تازه‌تر به نقش زنان در

من ایرانم

ایرانم» به احتمال قریب به یقین، مهم‌ترین و پربسامدترین محصول گفت‌وگو محور تلویزیون در ایام جنگ رمضان است؛ برنامه‌ای که موفق شده انسجام مضمون را در میان تنوع گسترده گفت‌وگوها حفظ کند و تصویری روان و قابل فهم برای عموم مردم را دغدغه‌ها و امیدهای ملی ارائه دهد. این برنامه، با دعوت از چهره‌های برجسته سیاسی، فرهنگی و هنری،

گردشگری گرفته تا بازیگرانی از جمله مجید واشقانی و آرمان درویش. تنوع میهمانان به «من ایرانم» این امکان را داده که مسائل روز کشور را از زاویه‌های متفاوت بررسی کند و در عین حال، با لحنی ملی و مسئولانه، حس هم‌بستگی و تعلق به وطن را در مخاطب تقویت نماید. اجرای این برنامه بر عهده محمدرضا شهیدی فر است، چهره‌ای که عموم مخاطبان تلویزیون او را با اجراهای

در جشنواره فیلم فجر و ساخت برنامه پرمخاطب «پارک ملت» می‌شناسند. شهیدی فر در «من ایرانم» با هدایت تقریباً بدون خطا و مؤثر گفت‌وگوها، توانمندی خود در مدیریت یک تاک‌شوی اثرگذار را به خوبی نشان داده است. این روزها فضای مجازی پر شده از اوربل‌ویدئوهای این برنامه که با مقیاسی گسترده توسط مردم مشاهده می‌شوند. بخش‌هایی از برنامه که شامل تحلیل‌های میهمانان و گفت‌وگوهای



ملی‌گرایانه است، به سرعت در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود و به نوعی تأثیرگذاری برنامه فراتر از قاب تلویزیون رسیده است.

اخبار هنری

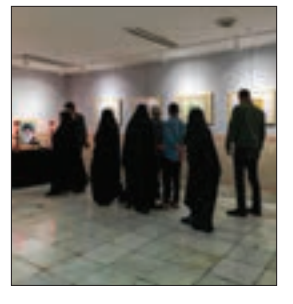
مهدی احمدی، تهیه‌کننده مشهور به خاک سپرده شد



مهدی احمدی، فیلم‌نامه‌نویس، تهیه‌کننده و بازیگر، پس از یک دوره بیماری بر اثر سرطان در گذشت و دهم فروردین در قطعه هنرمندان آرامستان مشهد آرام گرفت. مهدی احمدی متولد مشهد و از اولین تهیه‌کنندگان سینمای مشهد است که تهیه‌کنندگی فیلم‌هایی نظیر «گرگ‌های گرسنه»، «یار در خانه»، «دل نمک»، «ارثیه فامیلی» و... را در کارنامه هنری خود دارد.

نگارستان

نمایشگاه «سلخ عشق» در موزه رضوی گشایش یافت



نمایشگاه «سلخ عشق» با محوریت یادمان رهبر شهید، در نگارخانه موزه حرم مطهر رضوی به همت سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی گشایش یافت. به گزارش خبرگزاری ایبنا در مشهد، در این نمایشگاه که با نمایش ۴۰ اثر برپا شده است، آثاری شامل سه دست خط رهبر شهید و ۶ تفریق منتخب ایشان بر نسخ خطی اهدایی ایشان به نمایش گذاشته شده است.

همچنین ۳۱ تابلوی خوش‌نویسی و نقاشی خط از آثار استاد میرحسین زنوزی، هنرمند تبریزی با محوریت آیات قرآنی، اشعار، عبارات و... در رابطه با رهبر شهید، در نمایشگاه سلخ عشق در معرض دید عموم گذاشته شده است. رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی در حاشیه بازگشایی این نمایشگاه گفت: یاد و خاطره و آثار وجودی و تأثیراتی که رهبر شهید در حیات اجتماعی بشر گذاشتند، هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود و همواره جاری است.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجلال حسینی ادامه داد: در واقع، نمی‌توان این آثار را نادیده گرفت، چراکه روایتگر بخشی از ابعاد وجودی و شخصیتی و عطش رهبر شهید به حوزه کتاب و کتاب‌خوانی است. ایشان شخصیتی نسخه‌پژوه و کتاب‌شناس بودند.

وی بیان کرد: ایشان با اهدای ۱۸ هزار عنوان نسخه خطی به کتابخانه آستان قدس رضوی، در صدر واقفان نسخه‌های خطی در تمامی اعصار، قرار دارند.

حسینی افزود: رهبر شهید با تخصصی که در حوزه نسخه‌های خطی داشتند، این آثار را مطالعه کرده و تفریق‌های عالمانه‌ای، همراه با ارائه پیشنهاد و راهکار، به خط زیبا و خوانا که قابل نشر است، بر آن‌ها می‌نوشتند.

وی بیان کرد: آثار به نمایش درآمده از تفریق‌های رهبر شهید در نمایشگاه حاضر، منتخبی از تفریق‌های موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی است که می‌توان با محوریت هر کدام از این آثار، برنامه‌های علمی و فرهنگی برگزار کرد. بی‌تردید برنامه‌های سازمان در این حوزه همچنان ادامه خواهد داشت.

نمایشگاه سلخ عشق تا ۲۷ فروردین امسال از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۴، در نگارخانه موزه رضوی واقع در صحن کوثر بارگاه امام هشتم^(ع)، پذیرای زائران و مجاوران علاقه‌مند است.

ایستگاه هنر

«لالایی» فریدون آسرایی برای کودکان پیرشده



فریدون آسرایی، خواننده موسیقی پاپ، قطعه‌ای را با عنوان «لالایی» منتشر و آن را به دانش‌آموزان جان‌باخته در فاجعه میناب تقدیم کرد. به گزارش ایسنا، در ابتدای نماهنگ ویدئو این قطعه نوشته شده است؛ «تقدیم به دانش‌آموزان مدرسه شجره طیبه میناب که به دست آمریکا و اسرائیل جنایت‌کار، مظلومانه به شهادت رسیدند.»

قطعه «لالایی» در فضای احساسی و متأثر از این حادثه، با هدف همدردی با خانواده‌ها و زنده نگه داشتن یاد کودکان قربانی تولید و منتشر شده است.

محمد علیزاده برای کودکان میناب نوشت



محمد علیزاده از خوانندگان شناخته‌شده موسیقی پاپ با انتشار دل‌نوشته‌ای ملی‌میهنی از مظلومیت شهدای مدرسه شجره طیبه میناب و دیگر هم‌وطنان کشورمان در جریان جنگ رمضان سخن گفت.

در بخشی از یادداشت این هنرمند آمده است: «برای من که عمری عاشقانه خواندم و با مردم عاشقی کردم، گفتن از جنگ سخت است، نه چون از جنگ می‌ترسم. من فرزند جنگم و از جنگ نمی‌ترسم ولی از چشم‌انتظاری برای آن یابان شهید چرا. اوداشت چهره شهر را از جنگ می‌زدود که قربانی جنگ شد. او هم می‌توانست نوروز را با خنده‌های از ته دل کودکش در تفریح باشد و به دور از جنگ و موشک، دلپره‌هایش را فقط در بین سطور اخبار دنبال کند، او نباید قربانی جنگ می‌شد. من از جنگ نمی‌ترسم، ولی از فریاد مادران دل‌نگران، چرا. من از جنگ نمی‌ترسم، ولی از بی‌تابی‌های عشاق، چرا. من از جنگ نمی‌ترسم اما از اضطراب کودکان، چرا. من از جنگ نمی‌ترسم ولی اما از استیصال پدران، چرا. من فرزند جنگم. من از جنگ نمی‌ترسم ولی از وعده‌های دروغینش، چرا. من عمری برای مردم عاشقانه خواندم و آرزوی من کم‌بازم در زیر باران در همین خیابان‌ها و شهرهای پردرد کشور نازنینم، با هم برای مردم از عشق بخوانم که، دنیا قشنگه ولی، کنار تو...»